


**پیش به سوی  
احیای حقوق  
سندیکایی،  
ایجاد و احیای  
سندیکاهای  
مستقل کارگری!**

**به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر  
تحول‌های سیاسی، چالش‌ها و راهکارهای جنبش  
کارگری - سندیکایی در مرحله کنونی**

روز جهانی کارگر درحالی فرارسیده است که طبقه کارگر و زحمتکشان ایران هم‌چون دیگر زحمتکشان جهان تحت تاثیر ویروس کرونا و ناکارآمدی سررشتی نظام سودجوی سرمایه‌داری با وضعیت بسیار دشوار روبرو هستند. مطابق آخرین برآوردهای سازمان بین‌المللی کار شیوع کرونا بر بیش از ۲/۷ میلیارد تن از نیروی کار جهان تاثیر مخرب باقی گذاشته، سبب بیکاری گسترده و کاهش ساعت کاری بیش از ۱۹۵ میلیون نفر تاکنون بوده که نتیجه آن افت سطح زندگی و فقر در چهارگوشه گیتی است. درمیهن ما نیز افزایش بیکاری، رکود و تعطیلی واحدهای تولیدی - صنعتی و خدماتی، کاهش سطح دستمزدها، عدم رعایت اصول بهداشت و ایمنی در محیط‌های کار، رشد ناامنی شغلی و اخراج‌های گسترده بر اثر سیاست‌های ضدملی اقتصادی - اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی در پیوند با تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیسم آمریکا در مجموع اوضاعی به‌شدت نگران‌کننده و در یک کلام ناگوار برای کارگران و زحمتکشان پدید آورده‌است. شیوع کرونا همراه با ادامه اجرای برنامه تبدیل ساختاری ازهمین ابتدای سال پیامدهای خود را آشکار ساخته‌است. در این زمینه علی ربیعی معاون اسبق وزارت اطلاعات و سخنگوی دولت با اشاره به وضعیت کشور اعتراف کرده‌است: "این وضعیت در اقتصاد ایران که سال ۹۸ رشد اقتصادی نزدیک به صفر را تجربه کرده، وضعیت سخت‌تری ایجاد خواهد کرد. در حال حاضر نزدیک به ۳/۳ میلیون نفر از شاغلین رسمی کشور به‌طور مستقیم در معرض آسیب قرار گرفته‌اند. بیش از ۱/۵ میلیون کارگاه رسمی و غیررسمی دچار توقف فعالیت شده‌اند. ۴ میلیون شاغل رسمی در کشور در معرض توقف یا کاهش فعالیت، کاهش دستمزد و اخراج هستند. بیش از ۱۲ میلیون کارگر در بخش خدمات مشغول به‌کارند و آثار اولیه بیکاری در ۱۰ رسته‌ای که بلافاصله با شیوع بیماری دچار تعطیلی شدند، هویداست. در ۳ ماه اول کاهش ۰/۴ درصدی رشد اقتصادی اتفاق می‌افتد. در صورت تداوم، آثار ثانویه آن می‌تواند میزان بیکاری را به‌طور فزاینده افزایش دهد. مطالعات نشان می‌دهد ایجاد اشتغال جدید در صنوف تولیدی کوچک و کارخانه‌های مقیاس پایین حداقل تا دو سال پس از تعطیلی امکان‌پذیر نیست." (ایران آنلاین، ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۹) این فشرده‌ای از برآوردهای رسمی حکومتی است که می‌توان از لابلای آن ژرفای بحران را دید. این واقعیت‌ها در پیوند با تحول‌های صحنه سیاسی و نزاع و کشمکش جناح‌ها و کانون‌های قدرت در حکومت وظایف و مسئولیت‌های خطیری فراروی جنبش کارگری و حرکت‌ها و جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما قرار می‌دهد. علی‌رغم تداوم

ادامه در صفحه ۲

**نامه  
کارتگری  
ضمیمه**

**مردم**

**ارگان مرکزی حزب توده ایران**

شماره ۳۲، ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹

- \* نظری به عمده‌ترین رویدادها و مبارزات جنبش کارگری - سندیکایی در سالی که گذشت! ص ۴
- \* واگذاری سستا: درآمدزایی دولت با غارت دارایی زحمتکشان ص ۶
- \* رشد نرخ بیکاری، و معضل بیمه بیکاری کارگران ص ۷
- \* چرا منافع پرستاران تأمین نمی‌شود ص ۷
- \* بیانیه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری ص ۸

**پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!**

## ادامه تحول‌های سیاسی، چالش‌ها و راهکارهای ...

بحران با توجه به چنین وضعیتی وخیم شاهد ادامه برنامه آزادی اقتصادی هستیم. شعار "جهش تولید" توسط خامنه‌ای، لایحه بودجه سال کنونی، چگونگی تعیین و اعلام میزان حداقل دستمزد کارگران و حراج شستا اثبات می‌کند که آنچه برای سران و مسئولان حکومتی فاقد ارزش بوده و هست زندگی و سرنوشت مردم میهن ما به‌ویژه تهیدستان شهر و روستا و پیشاپیش همه طبقه کارگر و زحمتکشان است. سالی که پشت سر گذاشتیم به لحاظ رشد و گسترش جنبش اعتراضی زحمتکشان حاوی درس‌ها و تجربه‌های گرانبهائی برای مبارزه امروز جنبش کارگری و سندیکایی کشور است. در تمام طول سال گذشته با زرفش بحران اقتصادی و سپس خیزش مردمی آبان ماه، جنبش کارگری در حد توان و امکانات موجود کوشید بنیه خود را تقویت کرده و با بازسازی بدنه و ارتباط گسترده‌تر با توده‌های کارگر در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌ها میزان تأثیرگذاری بر صحنه سیاسی را افزایش دهد. در این عرصه جنبش اعتراضی کارگران در طرح و پیشبرد خواست‌ها و شعارهای مطالباتی خود تا حد معینی با موفقیت‌هایی رو به رو بوده است. مبارزه برای تأمین مطالبه‌های فوری به‌ویژه دستمزد عادلانه، لغو قراردادهای موقت و تأمین امنیت شغلی در مقایسه با سالیان گذشته در مجموع با رشد روبرو بود. گرچه بسیاری از خواسته‌های زحمتکشان کماکان تحقق نیافته، اما آگاهی طبقاتی شمار بیشتری از توده‌های کارگر و حضور آنها در اعتراض‌ها و طرح احیای حقوق سندیکایی و ایجاد سندیکاهای مستقل قابل توجه و امیدوارکننده ارزیابی می‌گردد.

خواسته‌های کارگران و پیوند آن با مبارزه علیه استبداد مذهبی و برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی

مبارزات چندسال گذشته این واقعیت را برای کارگران پیشرو، سندیکالیست‌های راستین و همچنین شمار بیشتری از توده‌های کارگر به‌اثبات رسانده است که برای دستیابی به حقوق و مطالبه‌های آبی و آبی به‌ویژه افزایش عادلانه دستمزدها و تأمین امنیت شغلی بدون پیکار و مخالفت آگاهانه و سازمان‌یافته با برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی امکان‌پذیر نخواهد بود. خواست افزایش دستمزد مطابق سید معاش و نرخ واقعی تورم در چارچوب ادامه اجرای برنامه تعدیل ساختاری با محوریت آزادی اقتصادی بانوجه به توازن قوای کنونی میسر و تحقق‌پذیر نبوده و نیست. امسال به‌فاصله اندکی پس از اعلام حداقل دستمزد، گزارش تفریغ بودجه سال ۹۷ از سوی دیوان محاسبات انتشار یافت. این گزارش سیاهه‌ای از تخلف، چپاول و دستبرد به درآمدهای ملی و منابع مالی همگانی را به‌روشنی نشان می‌دهد. مطابق این گزارش رسمی: "۲۴۱ مدیر دولتی در سال ۹۷ حقوق‌های بالای ۵۰ میلیون تومان گرفته‌اند. روزنامه شرق ۲۷ فروردین ماه در این باره نوشته بود: "در این گزارش موارد آنقدر زیاد و بیشمار است که بیشتر نشاندهنده یک ساختار غیرشفاف و حیف و میل منابع عمومی است تا تخلف یکسری از افراد. ۴/۸ میلیارد دلار از ارزهای دولتی ما به‌ازای واردات کالا نداشت، ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار ارز چهارهزار و ۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای غیراساسی ... اختصاص یافته است. یازده هزار میلیارد تومان انحراف در خصوصی‌سازی‌ها و ۱۴ هزار میلیارد تومانی که دستگاه‌های اجرایی برای اجرای پروژه‌های محیط زیستی گرفته‌اند، بدون اینکه حتی یک پروژه روی زمین تعریف شود ... به گفته عادل آذر دیوان محاسبات مسئولیت رصد دریافت حقوق‌های بالای ۵۰ میلیون تومان را دارد و قوانینی مانند قانون خدمات کشوری، قانون حداقل حقوق و اختیاراتی که به هیات مدیره بانک‌ها داده شده است، موجب می‌شود تا افرادی در سال ۹۹ حقوق ۵۰ میلیون تومانی هم دریافت کنند." موضعگیری حسن روحانی در قبال این گزارش و سپس مانور فریبکارانه ابراهیم رئیسی با زست مخالفت با فساد همگی گویای سهم‌خواهی جناح‌ها و کشمکش محورهای قدرت در مقطع زمانی حساس سیاسی کشور است. نباید به‌هیچ وجه فریب مانورهای ابراهیم رئیسی، سپاه پاسداران در خصوص مبارزه با فساد را خورد. همین مدیران دولتی و خصوصی که نمایندگان آنها در نشست‌های شورای عالی کار به‌عنوان نمایندگان دولت و کارفرما حضور دارند همواره مانع افزایش عادلانه دستمزدها شده و سه‌جانبه‌گرایی را در شورای عالی کار به یک نمایش سالیانه شمشزکننده بدل کرده‌اند. امسال چه کسانی بامدیریت محمد شریعتمداری وزیر کار که خود از چهره‌های فاسد و امنیتی

حکومت است حداقل دستمزد ۹۹ را تصویب کرده و هم‌زمان به تهدید کارگران پرداختند؟! آیا آنها نمایندگان لایحه‌های انگلی سرمایه‌داری ایران نیستند که در ساختار پوسیده و به‌شدت فاسد حکومت به چپاول ثروت ملی و دزدی از سفره کارگران مشغول می‌باشند؟ نکته مهم‌تر اینکه در سال جاری بانوجه به شیوع کرونا و زرفش بحران اقتصادی نولیبرال‌های وطنی یعنی طراحان و مدافعان برنامه تعدیل ساختاری آشکارتر از پیش شمشیر را علیه کارگران از رو بسته‌اند. سعید لیلاز یکی از مدافعان سینه‌چاک نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری پس از اعلام میزان حداقل مزد سال ۹۹ در مصاحبه با روزنامه شرق ۲۳ فروردین ماه خطاب به کارگران اعلام کرد: "دستمزد را امنیتی نکنید." او در این مصاحبه می‌گوید: "میزان مزد امسال ۳۲/۵ درصد افزایش پیدا کرده است ... یک اقتصاد ایران در دو سال گذشته بیش از ۱۲ درصد کوچک شده است. در این وضعیت دولت منابع تأمین پرداخت دستمزد بیشتر از این را از کجا بیورد؟ ... من از مصوبه سال جاری دستمزد دفاع می‌کنم ... انتظارم از اضلاع سه‌جانبه این بود که حفظ امنیت و ثبات ایران را اولویت خود قرار دهند ... نه اینکه این مصوبه را سیاسی کنیم و سعی کنیم از آن جنبش کارگری امنیتی بسازیم ... به‌نظر دیگر اضلاع روابط کار [بخوان کارفرما و دولت] به‌ویژه وزارت کار باید درباره این موضوع هشدار دهند." محتوی این سخنان روشن است، یعنی اعتراض و دعوت به اعتصاب برای تأمین یک خواست به‌حق صنفی - رفاهی اخلاص در امنیت کشور لقب می‌گیرد. به‌این مصوبه ضدکارگری که در حقیقت کاهش سطح مزد و سرکوب مزدی است باید حراج اموال کارگران برای جبران کسری بودجه و درآمدزایی دولت را نیز افزود تا دورنمای روشن‌تر و درک دقیق‌تری از موضوع حیاتی و مهم رابطه میان مبارزه برای مطالبه‌های آبی و آبی کارگران و زحمتکشان با پیکار علیه برنامه‌های اقتصادی و رونمای سیاسی استبدادی را به‌دست آورد. به‌این ترتیب می‌توان با آنچه مورد اشاره قرار گرفت به‌ویژه مصوبه مزدی ۹۹ و حراج شستا مضمون شعار جهش تولید موردنظر ولی‌فقیه را دید و تشخیص داد. در این شرایط تشدید مبارزه، اتحاد عمل فراگیر و تأکید بر احیای حقوق سندیکایی یک وظیفه مهم به‌شمار می‌آید.

اهمیت تقویت بنیه جنبش کارگری و سندیکایی

هنگامی که از لزوم مخالفت با برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی و استبداد مذهبی و پیوند آن با پیکار برای تأمین مطالبه‌های زحمتکشان سخن به‌میان می‌آوریم، نمی‌توانیم براهمیت تقویت جنبش سندیکایی و حرکات سندیکایی موجود و کوشش خستگی‌ناپذیر در راه ارتقاء آن پافشاری نکنیم. تأمین خواسته‌های صنفی - رفاهی طبقه کارگر و همه زحمتکشان فکری و یدی کشور در گرو فعالیت آزادانه سازمان‌های پایه طبقاتی یعنی سندیکاهای مستقل کارگری است. علت آن نیز روشن است، جنبش سندیکایی گسترده‌ترین و توده‌ای‌ترین بخش جنبش کارگری به‌شمار می‌آید که اساساً شامل مبارزات اقتصادی - رفاهی طبقه کارگر و زحمتکشان است. جنبش سندیکایی، جنبشی قائم به ذات است که از لحاظ تماس با توده‌های وسیع زحمتکشان توده‌ای‌ترین سازمان متشکل کارگران محسوب می‌شود. جنبش سندیکایی همه کارگران و زحمتکشان را صرفنظر از تفاوت‌های عقیدتی، سیاسی، مذهبی، مسلکی و نژادی دربر می‌گیرد و از حقوق صنفی آنها دفاع می‌کند. منشور جهانی حقوق سندیکایی مصوبه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار محتوی، استقلال عمل و آزادی فعالیت سندیکایی و حقوق بنیادین کار را مشخص و برای تمامی دولت‌ها الزام‌آور کرده است. گرچه در هر دو حکومت استبدادی یعنی رژیم تبهکار سلطنتی و حکومت واپس‌گرای ولایت‌فقیه این حقوق اولیه با سرکوب خونین و نیرنگ از طبقه کارگر ایران سلب گردیده است. بنابراین لزوم احیای حقوق سندیکایی و برپایی سازمان‌های مستقل سندیکایی از اولویت‌های مبارزات کارگران میهن ما بوده و هست. نباید فراموش کنیم در سندیکاها مسایل مربوط به جمع کارگران و آنچه کلیه آنها را به‌دور هم گرد می‌آورد، مطرح است و این ویژگی و سرشت سازمان‌های پایه طبقاتی کارگران یعنی تشکل سندیکایی است. در سندیکاها کارگران و زحمتکشان صرفنظر از درجه آگاهی که نسبت به‌وضع خود در یک جامعه طبقاتی دارند، به‌هدف دفاع از حقوق اقتصادی و رفاهی متشکل می‌شوند. در عین حال تأکید می‌کنیم جنبش سندیکایی در صحنه سیاسی هرگز بی‌طرف و منفعل نبوده و از جانبداری طبقاتی برخوردار است. جنبش سندیکایی به‌طور کلی برتشکیل سندیکاهای پایه در کارگاه‌ها اعم از کارخانه، اداره و موسسه دولتی یا خصوصی و تشکل‌های حرفه‌ای، رشته‌ای و سازمان سراسری در مقیاس کشور استوار است. بنابه همه این ویژگی‌ها چنین تشکلی می‌تواند و باید همه زحمتکشان را از



صنعتی و اتحاد عمل فراگیر در صدر وظایف جنبش کارگری و سندیکایی قرار می‌گیرد. باید بر موانع ذهنی غلبه کرد، سیاست‌های تفرقه‌افکنانه ارگان‌های امنیتی را همراه با مانورهای فریبکارانه رهبران و گردانندگان تشکل‌های زرد حکومتی ناکام گذاشت. رمز کامیابی ما اتحاد ماست. حزب ما براساس مشی اصولی و انقلابی خود اعلام کرده و بازم می‌کند، اختلافات سیاسی - عقیدتی موجود میان زحمتکشان هرگز مانعی غلبه‌ناپذیر در راه تأمین وحدت عمل و وحدت سندیکایی به‌منظور نیل به هدف‌های مشترک نبوده و نمی‌تواند باشد. حزب توده ایران برآن بوده و هست که برای دستیابی به وحدت و اتحاد عمل فراگیر در مبارزه صنعتی و جنبش سندیکایی باید با دوری از هرگونه دنباله‌روی و فرقه‌گرایی به کار پیگیری، صبورانه و هدفمند در میان توده‌های کارگر پرداخت.

در مسئله تأمین وحدت صف‌های جنبش سندیکایی رشد آگاهی طبقاتی توده‌های کارگر اهمیت اساسی دارد. هیچ تشکل دیگری نمی‌تواند جایگزین تشکل سندیکایی در مبارزه صنعتی زحمتکشان باشد. حزب ما باید دیگر براین نکته تأکید می‌کند وجود یک سازمان سندیکایی نیرومند، مردمی و متشکل که درهائش به‌روی همه کارگران و زحمتکشان در شهر و روستا باز باشد، یک ضرورت است.

در مرحله حساس کنونی برای مقابله و مبارزه با استبداد حاکم و طرد رژیم ولایت‌فقیه جنبش کارگری و سندیکایی باید از هر نظر به تقویت خود پرداخته و آمادگی ایفای نقش موثر در تحول‌های صحیح سیاسی در راستای پیوند با جنبش سراسری ضد دیکتاتوری و مداخله‌های امپریالیسم داشته باشد.

### ادامه چرا منافع پرستاران ...

پرستار در نامه‌ای به روحانی از "تبعیض‌های همه‌جانبه" در رابطه با "ابلاغ افزایش ۵۰ درصدی حقوق" کارکنان دولت و اجرا نشدن مصوبات مجلس انتقاد کرد.

بر اساس این نامه، پرستاران استخدام رسمی، پیمانی، قراردادی، و شرکتی، یعنی ۴ پرستار با "شغلی با ماهیت کاملاً یکسان و مشابه ... ۴ نوع دریافتی" مختلف داشتند. در حین کاهش قابل توجه از به اصطلاح "افزایش ۵۰ درصدی" و ارائه مبالغ مختلف و تبعیض آمیز به سه گروه اول، برای نیروهای شرکتی "هیچ افزایشی لحاظ نشده" بود. در ماه‌های اخیر، پرستاران کشورمان به‌منظور اجرای قانون "تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری"، حذف قرارداد‌های ۸۹ روزه، شرکتی و "استخدام‌های ۱۰۰ ساعته"، و دریافت معوقه‌های کارانه و اضافه‌کاری، مبارزه‌شان را به‌پیش برده‌اند. روز اول اردیبهشت‌ماه ۹۹، پرستاران گیلان در بیانیه‌ای حذف موانع استخدام پرستاران را خواستار شدند.

رژیم ولایتی به‌هدف ایجاد تفرقه بین زحمتکشان، در اجرای "طرح تحول نظام سلامت" به تبعیض گسترده‌ای در پرداخت کارانه پزشکان و پرستاران دامن زد. نامه سرگشاده تعداد کثیری از پزشکان و حمایت و همبستگی آنان با پرستاران، به رشد مبارزه زحمتکشان کمک خواهد کرد.

### ادامه تحول‌های سیاسی، چالش‌ها و راهکارهای ...

سطح کارگاه گرفته تا مقیاس تمام کشور دربر بگیرد. هیچ‌یک از تشکل‌های ساخته و پرداخته حکومت، تشکل‌های زرد حکومتی از محتوی مورد اشاره، ویژگی‌های نام‌برده و سرشت طبقاتی - سندیکایی برخوردار نیستند. نکته دیگر اینکه در برخورد با تشکل‌های زرد حکومتی باید بر سرشت ضدسندیکایی و ضدکارگری آنها پای فشرد و آنها را افشا کرد. درعین اینکه درهمین تشکل‌ها می‌توان بدنه‌ای از توده‌های کارگر یا افراد منفردی را یافت که از سیاست‌های رسمی این تشکل‌ها فاصله گرفته و با سیاست‌های آن مخالفت می‌کنند. حساب بدنه با رهبری فاسد و سخنگویان این تشکل‌ها یکی نیست و همواره باید کوشید رهبری تشکل‌های زرد حکومتی را افشا و منزوی ساخته و میان بدنه با این گردانندگان به‌سود منافع جنبش کارگری - سندیکایی فاصله ایجاد کرده و شکاف پدید آورد. یکی از جنبه‌های مهم و حیاتی تشکل صنعتی زحمتکشان، نیاز مبرم طبقه کارگر به تأمین خواسته‌های عام دموکراتیک یعنی تأمین آزادی فعالیت انجمن‌ها، حزب‌ها و دیگر آزادی‌ها مانند آزادی بیان، اندیشه، قلم، مطبوعات و اجتماعات است. حزب توده ایران براین اعتقاد راسخ بوده و هست که فقط و فقط نیروی متشکل و سازمان‌یافته توده‌های میلیونی ضامن تحقق تحول‌های بنیادین به‌سود حق حاکمیت ملی، استقلال ملی، عدالت اجتماعی و حقوق و آزادی‌های دموکراتیک فردی و اجتماعی است. به‌علاوه میزان تشکل‌یابی، درجه آگاهی و توانایی سازمان‌های سندیکایی در مبارزه با استبداد مذهبی برای گذار به مرحله ملی - دموکراتیک واجد اهمیت درجه اول است.

این روزها بحث درباره اشکال اعتراض و چگونگی سازمان‌یابی به‌موضوعی داغ و البته مهم برای جنبش سندیکایی بدل شده‌است. ما پاره‌ها را استفاده از همه روزنه‌ها، شکاف‌ها و امکانات تأکید داشته‌ایم. تجربه مبارزات کارگران میهن ما و همچنین کارگران دیگر نقاط جهان نیز موید این واقعیت است. اما واقعیت دیگری که همواره باید در نظر گرفت، دوری از هرگونه محفل‌گرایی و محدودشدن در فضای مجازی است. وظیفه مقدم و غیرقابل انکار همه فعالان کارگری و سندیکالیست‌های راستین فعالیت در میان توده‌های کارگر در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌هاست. دراین زمینه می‌توان از امکانات و وسایل مختلف از جمله فضای مجازی با دقت و مهارت بهره برد. اما فعالیت در فضای مجازی نمی‌تواند جایگزین تشکل‌یابی کارگران و زحمتکشان گردد. ارتباط با توده‌های کارگر با استفاده از همه امکانات و تشکل‌یابی در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌ها یعنی احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل که بتواند از منافع آنی و آتی اقتصادی زحمتکشان دفاع کند، وظیفه اصلی و غیرقابل چشم‌پوشی به‌شمار می‌آید. همچنین به‌یاد داشته باشیم در بحث‌ها از اتهام‌زنی و پیش‌داوری پرهیز کرده و هرگونه بحث را در خدمت وحدت صف‌های جنبش سندیکایی قرار دهیم.

پاره‌ای از اقدام‌های به‌ظاهر "رادیکال" که از سوی محافل معین و گاه ناشناخته صورت می‌پذیرد و بحث‌هایی که این محافل می‌کوشند در سطح جنبش سندیکایی رواج دهند به‌شدت زبان‌بخش، تفرقه‌افکنانه و مغایر با اصل وحدت در مبارزات سندیکایی است. ارگان‌های امنیتی با پوشش‌های گوناگون کوشیده و می‌کوشند جنبش کارگری و سندیکایی را با ایجاد بحث‌های انحرافی و اقدام‌های زود هنگام یا ناپهنگام مهار و کنترل کنند و مانع از خروج جنبش کارگری از حالت تدافعی شوند. بحث‌ها در زمینه وظیفه و برنامه سندیکاهای کارگری باید با هدف تقویت بنیه جنبش کارگری - سندیکایی، برای ارائه راهکار صحیح و موثر به منظور تأمین منافع توده‌های کارگر و مقابله با رژیم ولایت‌فقیه سازمان‌یابی شود.

### تحول‌های صحیح سیاسی، ضرورت تشدید مبارزه و ارتقاء سطح سازماندهی و همبستگی

حزب ما در بررسی ویژگی‌ها، مختصات، چالش‌ها و زاویه‌های گوناگون مبارزات جنبش کارگری و سندیکایی در سالیان گذشته همواره بر اهمیت بی‌چون و چرای ارتقاء سطح سازماندهی، همبستگی و حرکت به سمت خروج از حالت تدافعی تأکید داشته‌است. این مهم باتوجه به دورنمای تحول‌های سیاسی کشور در سال جاری از اهمیت دوچندان برخوردار است. خشم و نارضایتی مردم از سویی و زرقش بحران از دیگر سو مجموعاً وضعی را پدید آورده که تشدید مبارزه همراه با استقلال عمل طبقاتی، تلفیق کار سیاسی و





مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه در سال ۱۳۹۴ به ثمن بخش واگذار شد و مشکلات کارگران هم از مقطع این خصوصی‌سازی مجتمع شدت بیشتری یافت. مالکان جدید این مجتمع عظیم را با پیش‌پرداخت ۶ میلیارد تومان خریداری کردند. مالکان جدید نیشکر هفت‌تپه نه تنها قسط‌های باقیمانده را پرداخت نکردند، بلکه "ارزی را که بابت گسترش مجتمع به‌قیمت دولتی دریافت کردند، در بازار آزاد به‌فروش رساندند و سه سال بعد به‌عنوان 'متخلفان ارزی' تحت پیگرد قرار گرفتند." بیش از ۸۰ نفر از رانندگان ماشین‌های استیجاری در ادامه اعتراض‌هایشان، روز اول اردیبهشت‌ماه ۹۹ در اعتراض به "۵ ماه مطالبات پرداخت‌نشده‌شان، در محدوده مجتمع دست به‌اعتراض زدند. تقویت روحیه مبارزه، افزایش آگاهی طبقاتی، و تأکید بر خواست محوری مخالفت با خصوصی‌سازی، از مهم‌ترین دستاوردهای مبارزات سال گذشته این کارگران همراه با دیگر زحمتکشان میهن‌مان بوده است.

همچنین در طول سال گذشته، به‌رغم سرکوب، بازداشت، و صادر کردن حکم‌های زندان، کارگران شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو و شرکت صنایع آذرباغ علیه خصوصی‌سازی و ویران کردن صنایع مادر تخصصی و استراتژیک کشور از سوی غارتگران رژیم ولایی مبارزاتی ستودنی به‌پیش برده‌اند. کارگران شرکت هپکو در بیانیه‌ای، ۲۱ اسفندماه ۹۸، نوشتند: "ویروس بی‌تدبیری، رانت، عدم تعهد، عدم شفافیت" در رژیم ولایی را دلیل از بین رفتن "پیکره بی‌رقم" شرکت هپکو دانستند. شرکت هپکو در سال ۱۳۸۷- قبل از خصوصی‌سازی- به‌طور متوسط ۲۴۰۰ (دو هزار و چهارصد) دستگاه تولید می‌کرد. کارگران این شرکت در بیانیه‌شان از بدهی بیش از هزار میلیارد تومانی شرکت، کاهش تولید به صفر، و بیش از ۳ ماه معوقات مزدی کارگران خبر دادند. بخشی از کارگران "دستمزد مربوط به سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، و ۱۳۹۷" خود را دریافت نکرده‌اند. کارگران هپکو مخالفت شدیدشان را با خصوصی‌سازی این شرکت اعلام کرده‌اند و باقی ماندن مالکیت هپکو در دست دولت را خواستار بوده‌اند و هستند. در یورش سبانه‌گارد ویژه رژیم ولایی به یکی از تجمع‌های اعتراضی کارگران هپکو در شهریورماه ۱۳۹۸، ۲۸ تن از کارگران دستگیر و بیش از ۱۵ تن هم جراحات‌های شدید یا سطحی برداشتند. در همبستگی با کارگران معترض هپکو، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه یورش وحشیانه گارد ضدشورش رژیم به کارگران هپکو را محکوم کرد. روز ۲۳ فروردین‌ماه ۹۹ بار دیگر تعدادی از کارگران هپکو "برای پاره‌ای از توضیحات" به شعبه ۱۰۸ دادگاه شهرستان اراک احضار شدند.

شرکت آذرباغ در سال ۱۳۶۸ به‌طور رسمی آغاز به‌کار کرد و سطح زیربنای کارگاه‌های اصلی آن متجاوز از ۷۰۰۰۰ [هفتاد هزار] مترمربع است. حدود ۶ سال پیش، شرکت صنایع آذرباغ تقریباً ۳ هزار پرسنل داشت. بنا بر گزارش‌های خبرگزاری ایلنا: "پالایشگاه پتروشیمی‌ای در ایران سراغ ندارید که آذرباغ بویلرها [دیگ‌های بخار] و مخزن‌های تحت فشارش را نساخته باشد." کارگران آذرباغ در ساخت تجهیزات خیلی از پالایشگاه‌های نفت کشور و تجهیزات تعدادی از پالایشگاه‌های خارج کشور مشارکت داشته‌اند. شدت گرفتن مشکلات شرکت آذرباغ نیز با خصوصی‌سازی شرکت آغاز شد. بعد از اعتراض‌های گسترده کارگران در سال ۱۳۹۶، مدیرعامل [منصب] مالکان خصوصی آذرباغ به‌اتهام "دریافت وجوهی در قالب وام که از این وام‌ها در جای دیگری غیر از شرکت بهره‌برداری کرده" بود، بازداشت شد. کارگران آذرباغ که دستمزد ماه‌های مرداد و

شهریور ۹۸ خود را دریافت نکرده بودند در ادامه در صفحه ۵

## نظری به عمده‌ترین رویدادها و مبارزات جنبش کارگری - سندیکایی در سالی که گذشت

به‌رغم سرکوب اعتراض‌های کارگری، بازداشت فعالان کارگری، و احضار آنان به بیدادگاه‌های رژیم و صادر کردن حکم‌های ظالمانه زندان برای مبارزات جنبش کارگری و سندیکایی، کارگران بیش‌ازپیش به ماهیت ضدکارگری و ضدملی رژیم ولایی پی برده‌اند و به‌منظور دستیابی به دستمزدی که پاسخگوی نیازهای معمول زندگی و معیشت‌شان باشد و همچنین به‌منظور تثبیت امنیت شغلی‌شان و غلبه بر بیکاری و فقر فزاینده آنان، علیه سیاست‌های اقتصادی ویرانگر رژیم ولایی و همچنین در راه احیای حقوق سندیکایی، تشکیل سندیکاهایی مستقل کارگری مبارزه می‌کنند. در سالی که گذشت، طبقه کارگر کشورمان مبارزه تحسین‌برانگیزی بر ضد مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی اموال ملی به‌پیش برد. لغو خصوصی‌سازی و حذف دلالتان نیروی کار از خواست‌های مهم جنبش کارگری در مبارزه‌اش با سیاست‌های ضد کارگری رژیم ولایی بوده است. قبل از شیوع فاجعه‌بار ویروس کرونا، رژیم توان پاسخگویی به پایه‌ای‌ترین خواسته‌های زحمتکشان را نداشت. با آغاز این بیماری و بیکاری میلیونی زحمتکشان، رژیم تمام نیرنگ‌های قدیمی و وعده‌های بی‌پشتوانه‌اش به‌منظور حل مشکلاتش را می‌آزماید. قبل از گسترش بیماری کرونا، مطابق آمار رسمی، "بیشتر از ۵۰ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر" بود. قرارداد بیش از ۹۵ درصد کارگران کشور به‌صورت موقت بوده است و شکاف هزینه-مزد ژرفش یافته و اکثر خانوارهای کارگری در فقر و فلاکت بسر می‌برند.

به‌منظور تأمین کسری بودجه دولت، کارگزاران رژیم خصوصی‌سازی اموال ملی را تشدید کرده‌اند. اما چون زحمتکشان به ماهیت غارتگر رژیم پی برده‌اند، کارگزاران رژیم برای ترغیب رانت‌خواران و حتا مردمی با اندک منابع مالی به‌همراهی با سیاست ضدملی رژیم، "دفاع" از مردمی که درگیر خصوصی‌سازی می‌شوند را به آنان وعده می‌دهند. در نمونه‌ای از به‌کارگیری نیرنگ‌های قدیمی، اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، روز ۲۲ فروردین‌ماه ۹۹، با یادآوری مجموعه "۷ هزار هزار میلیارد تومان" دارایی‌های کشور، "استفاده از امکان سهام عدالت" را "مهم‌ترین امکان در این شرایط" برای کمک به مردم "عنوان کرد. جهانگیری افزود: "در شروع سال ۹۹ سهام شرکت‌های دولتی در سازمان بورس و اوراق بهادار به‌خوبی عرضه شده و با واگذاری شرکت‌های دیگر منابع خوبی برای دولت ایجاد خواهد شد." فرهاد دژپسند، وزیر امور اقتصادی، در ارائه نمونه‌ای از ضمانت رژیم به رانت‌خواران، روز ۲ فروردین‌ماه ۹۹، گفت: "سعی کردیم وقتی این واگذاری‌ها صورت گرفته... از افراد درگیر در واگذاری‌ها دفاع کنیم." نمونه‌ای از مبارزه زحمتکشان علیه غارتگری رژیم، در واکنش به تصمیم مدیران شرکت زغال‌سنگ کرمان به خصوصی‌سازی شرکت، روز اول اردیبهشت‌ماه ۹۹، حدود ۳ هزار کارگر شرکت زغال‌سنگ کرمان در "سه شهرستان راور، کوهپایان و زرنند" دست از کار کشیدند و مقابل دفاتر ائمه جمعه تجمع اعتراضی برگزار کردند. در شهرستان راور، امام جمعه این شهرستان "به‌دلیل کسالت" در محل کار خود حاضر نشد.

در سالی که گذشت، به‌رغم بازداشت و صادر کردن حکم‌های ظالمانه زندان در مورد فعالان کارگری مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، کارگران مبارز این مجتمع برای آزادی و حمایت از یاران زندانی‌شان، برای بسته شدن پرونده‌های قضایی کارگران و بازگشت کارگران اخراج شده به‌کار در مجتمع، علیه خصوصی‌سازی مجتمع، علیه تحمیل دلالتان پیمانکار به نیروی کار، و بر ضد تبدیل منطقه نیشکر هفت‌تپه به "منطقه ویژه اقتصادی"، همچنین برای دستیابی به معوقات مزدی، عیدی، پاداش، سنوات، اضافه‌کاری و سایر مزایای‌شان، برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، افزایش حق غذا و دستیابی به لباس و کفش کار ایمنی، در حمایت از منافع یاران بازنشسته‌شان، برای فشار به کارفرما به‌پرداخت حق بیمه عقب‌افتاده و معتبر شدن دفترچه‌های بیمه‌شان، در قالب راه‌پیمایی اعتراضی، برگزاری تجمع‌های اعتراضی در محوطه مجتمع، در مقابل فرمانداری، شوش، و اعتصاب، مبارزاتی تحسین‌برانگیز را به‌پیش برده‌اند. یکی از خواست‌های مهم کارگران نیشکر هفت‌تپه لغو خصوصی‌سازی این مجتمع بوده است.

## ادامه نظری به عمده ترین ...

مهرماه ۹۸ دست به اعتصاب زدند. در ۲۸ مهرماه، در دوازدهمین روز اعتصاب کارگران، که خواستشان دریافت موقوفات مزدی و "خلع‌بید از سهامداران و بازگرداندن مالکیت مجتمع به دولت" بود، در پاسخ به اعتصابشان با حملهٔ سیهانه نیروهای انتظامی رژیم روبرو شدند و ۲۱ نفر از آنان هم بازداشت شدند. تا روز ۷ آبان‌ماه ۹۸ "بین ۴۱ تا ۴۳ نفر از کارگران آذربایجان هم بازداشت بودند." خبرگزاری ایلنا، ۱۰ اسفندماه ۹۸، از پرداخت نشدن دستمزد ماه‌های دی و بهمن کارگران آذربایجان گزارشی داد. تجربهٔ مبارزات کارگران هپکو و آذربایجان رشد آگاهی طبقاتی و مخالفت گستردهٔ طبقه کارگر و زحمتکشان با خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی را به‌خوبی نشان داده و مسیر رو به‌رشد اعتراض‌ها و هم‌زمان اهمیت احیای حقوق سندیکایی را به‌روشنی نمایان می‌کند.

"شرکت حمل‌ونقل خلیج فارس" با ۱۲۸۶ نفر نیروی کار در سال ۱۳۹۵ به بخش خصوصی واگذار شد. از مقطع زمانی خصوصی‌سازی این شرکت، کارفرما تلاش کرده است دلالتان نیروی کار را در قالب پیمانکار به کارگران تحویل کند. در سالی که گذشت، کارفرما تلاش کرد قرارداد مستقیم [بدون واسطه دلالت] حدود ۱۰۰ کارگر شرکت در شهرستان اسلامشهر را به قرارداد پیمانکاری تغییر دهد. بعد از اعتراض‌های بی‌دری کارگران، روز ۳۱ مردادماه کارفرما با اعلام اتمام قرارداد کارگران، ۱۰۰ کارگر معترض با سابقه‌های کاری از ۱۰ تا ۱۵ سال را اخراج و از ورود کارگران به محل کار جلوگیری کرد. به‌رغم شکایت کارگران به اداره کار اسلامشهر و صدور رأی بازگشت به کار و بستن قرارداد مستقیم با کارگران از سوی "هیأت حل اختلاف"، کارفرما همچنان از ورود کارگران به محل کار جلوگیری می‌کند. در ماه‌های بعد از آن، کارگران تجمع‌های اعتراضی‌ای فراوان در مقابل شرکت و فرمانداری اسلامشهر برپا کردند. کارگران پس از سفر به تهران و برپایی تجمع‌هایی اعتراضی‌ای بی‌دری در برابر استانداری و دادسرای عمومی انقلاب تهران، در نهایت روز ۱۱ آذرماه به کارشان بازگشتند. این کارگران تغییر وضعیت شغلی‌شان، لغو خصوصی‌سازی، و دریافت معوقه‌های مزدی‌شان را خواستار بودند. در طول سال ۹۸ کارگران مبارز فولاد اهواز با برپایی یک‌رشته اعتصاب‌های متحد و یکپارچه بر ضد خصوصی‌سازی، تأمین امنیت شغلی، دریافت به‌موقع دستمزد، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، و ایجاد تشکل سندیکایی را خواستار می‌شدند. درس‌های اعتصاب چندین روزهٔ کارگران فولاد اهواز می‌تواند به‌منزلهٔ تجربه‌ای بارز در مبارزهٔ طبقه کارگر در سال جاری و سال‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد. به‌علاوه، باید به مبارزهٔ کارگران پالایشگاه کرمانشاه، کارگران واحدهای مختلف منطقهٔ گازی پارس جنوبی - عسلویه، کارگران پتروشیمی بندر ماهشهر، ماشین‌سازی تبریز، تکنیسین‌ها و کارگران فنی پست‌های فشارقوی برق، کارگران شهرداری‌های مناطق مختلف کشور، و کارگران کارخانهٔ روغن نباتی قو اشاره کرد که با به‌کارگیری شکل‌هایی متنوع از مبارزه، در جنبش اعتراضی زحمتکشان سراسر کشور نقشی برجسته و مثبت داشتند.

معلمان در سالی که پشت سر گذاشتیم با سازمان‌دهی تجمع‌هایی گوناگون و هم‌اکنون به‌ویژه در دو مقطع زمانی مشخص در سراسر کشور، در رشد و تقویت جنبش اعتراضی زحمتکشان نقشی پراهمیت داشتند. مطالبه‌های فرهنگی‌ان و مبارزهٔ آنان با خصوصی‌سازی آموزش، برای افزایش دستمزدها، و به‌خاطر آزادی حق تشکلیابی و آزادی معلمان فعال در تشکل‌های صنفی معلمان از زندان‌های رژیم، از عرصه‌های بسیار مهم مبارزات جنبش سندیکایی زحمتکشان بوده است. کارزارهای اعتراضی و تجمع‌های خیابانی بازنشستگان سراسر کشور نیز از مهم‌ترین رویدادهای جنبش کارگری و سندیکایی سال گذشته به‌شمار می‌آیند. از دیگر موارد بااهمیت دیگری که به آن‌ها باید اشاره شود، مبارزهٔ کارگران صنعت چوب است. از سال ۱۳۷۰ حدود ۳ هزار کارگر در قالب ۱۲ شرکت تعاونی زیر عنوان قرق‌بان مشغول "حفظ و احیای جنگل‌های ماندران" بودند. دولت در سال ۱۳۹۶ قرارداد با ۲۱ شرکت بهره‌بردار جنگل با "یک‌هزار و ۷۲۹ کارگر" را خاتمه داد و مقرر شده بود که "پرداخت حقوق و دستمزد قرق‌بانان از ناحیه دولت صورت گیرد." اما نه منابع مالی برای پرداخت حقوق کارگران تأمین شد و نه چوب برای ادامه فعالیت کارخانه‌ها ارائه گردید. کارگران با حدود ۱۴ ماه معوقه‌های مزدی برای "پیگیری وضعیت شغلی" و معوقه‌های مزدی‌شان به تهران سفر کردند [ایلنا، ۹ مردادماه ۹۸]. در اواخر سال ۹۸ و پس از پرداخت بخشی از معوقه‌های مزدی قرق‌بانان، روز ۱۷ اسفندماه ایلنا از قصد دولت به واگذاری

مسئولیت حفاظت از جنگل‌ها "به یک ارگان نظامی" گزارش داد. کارگران اعلام کردند: "ما کارگران به شیوه‌های مختلف مخالفت خود را با این تصمیم اعلام خواهیم کرد."

مبارزهٔ پرستاران در سالی که پشت سر گذاشتیم ابعادی گسترده‌تر یافت. افزایش دستمزد، مخالفت با خصوصی‌سازی بهداشت و درمان، و تأمین امنیت شغلی پرستاران از مهم‌ترین محورهای اعتراض‌های کارکنان زحمتکش بخش بهداشت و درمان کشور به‌ویژه پرستاران بود. این مبارزه در سال جاری همچنان ادامه دارد یعنی در سالی که ولی فقیه خامنه‌ای آن را سال "جهش تولید" نام‌گذاری کرده است، و در شرایط شیوع ویروس کرونا که به‌رغم تأکید فراوان کارگزاران رژیم به اجرای "طرح فاصله‌گذاری"، با ترفند حمایت از تولید از هفته سوم فروردین‌ماه هزاران کارگر صنعتی و معدنی ملزم به "حضور در محیط کار" شده بودند و در تعدادی از کارخانه‌های صنعتی کارگران مجبور به برگزاری تجمع‌های اعتراضی علیه تعطیلی کارخانه‌ها شده بودند. در سال ۱۳۸۷ و درحالی که کارخانه کنتورسازی قزوین ۳۱ میلیارد تومان طلبکار بود و بالغ بر ۴۰ میلیارد تومان مواد در انبار شرکت داشت، به‌مبلغ ۹ میلیارد تومان به بخش خصوصی واگذار شد، اما مالک جدید خصوصی حتی پیش‌قسط ۳ میلیارد تومانی‌اش را هم از "پول و اموال شرکت" پرداخت کرد. این کارخانه در زمان واگذاری به بخش خصوصی، ۱۲۰۰ کارگر داشت که بعد از "تنظیم سند شرکت" برای واگذاری به مالک خصوصی در سال ۱۳۹۲، کارفرما به‌پهانه‌های مختلف آغاز به اخراج کارگران کرد. اکنون با ۱۳۰ کارگر باقی‌مانده با سابقه‌های کاری از ۱۵ تا ۲۰ سال، مشکلات کارخانه به اوج خود رسیده است. مالک خصوصی "تسهیلاتی را به‌انحای مختلف از دولت دریافت کرده اما آن را هرجا که خواسته به مصرف رسانده" است. کارگران شاغل در این کارخانه در ادامه تجمع‌های اعتراضی‌شان در مخالفت با تصمیم کارفرما برای تعطیلی کارخانه به "پهانه کرونا ویروس"، از ۱۵ فروردین‌ماه در مقابل کارخانه و استانداری قزوین تجمع‌های اعتراضی‌ای دیگر برپا کرده‌اند. کارگران کنتورسازی "از سال ۹۵ تا پایان سال ۹۸ حدود ۲۶ ماه مطالبات مزدی عقب‌افتاده" دارند. به‌رغم داشتن قطعات تولید برای دو سال آینده، در سال‌های اخیر و به‌پهانه‌های مختلف، کارفرما بارها به تعطیل کردن کارخانه تلاش کرده است. در صورتی که "چرخ‌های تولیدی این کارخانه به‌همت کارگران کارخانه به حرکت درآمده" و "شرایط تولید در این واحد کنتورسازی بسیار خوب است."

همچنین در سال "جهش تولید"، مطابق گزارش ۳۰ فروردین‌ماه ایلنا، کارفرمای کارخانه نساجی بروجرد "به‌پهانه حفظ سلامتی کارگران با شیوع کرونا ویروس اقدام به تعطیلی" کارخانه کرده است و حدود ۹۴۰ کارگر این کارخانه با "۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار" با "تعطیلی این واحد بزرگ نساجی" مخالف هستند. به‌رغم دریافت "تسهیلات ویژه دولت" در سال‌های اخیر کارفرما "چندین بار فعالیت این کارخانه" را متوقف کرده است، اما در حدود دو سال اخیر "چرخ‌های تولیدی این کارخانه به‌همت کارگران به‌حرکت درآمده است." همه کارگران این کارخانه "حقوق اسفند و عیدی و پاداش سال ۹۸ خود را از کارفرما طلب‌کنند." مطابق گزارش ۳۱ فروردین‌ماه ایلنا، در نهایت کارفرما نساجی بروجرد را تعطیل کرد.

همان‌طور که اشاره شد، در ادامه غارتگری برای تأمین کسری بودجه دولت، رژیم ولایتی خصوصی‌سازی اموال ملی را تشدید کرده است. بنا به گزارش ایلنا، روز ۳۱ فروردین‌ماه سال جاری جمعی از گازبانان سراسر کشور از "احتمال واگذاری گازبانی به بخش خصوصی ابراز نگرانی کردند." گازبانان اعلام کردند: "بعد از واگذاری جایگاه‌های سوخت کشور به بخش خصوصی که موجب آوارگی کارگران شاغل در آن جایگاه‌ها و بیکاری تعداد زیادی از آنها شد، حالا نوبت نیروهای گازبان رسیده است... نمی‌خواهیم به سرنوشت کارگران جایگاه‌های سوخت دچار شویم." گرچه غارتگری مانند جهانگیری هنوز تلاش می‌کنند ادامه و تشدید خصوصی‌سازی را به‌عنوان "مهم‌ترین امکان در این شرایط برای کمک به مردم" توجیه کنند، اما میلیون‌ها کارگری که هنوز شاغل‌اند، تجربه تلخ کارگران بیکار شده و فقر آنان را خوب به‌خاطر دارند و به مبارزه خود بر ضد غارتگران ادامه خواهند داد.

کارنامهٔ جنبش کارگری و سندیکایی در سالی که گذشت مملو از درس‌ها و تجربه‌های بارز است که باید در مبارزهٔ امروز به‌ویژه در اوضاع متحول صحنهٔ سیاسی کشور به‌کار گرفته شوند. چارهٔ رنجبران وحدت و تشکیلات است!

## واگذاری شستا: درآمدزایی دولت با غارت دارایی زحمتکشان



کارگران با پرداخت بخش قابل توجهی از دستمزد ناچیزشان به عنوان حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی، صاحبان اصلی تامین اجتماعی هستند. مطابق گزارش ۳۱ فروردین ماه خبرگزاری ایلنا، در حال حاضر دولت ۳۰۰ هزار میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است و بدون پرداخت ریالی از بدهی اش به این سازمان، تمامی بیمارستان‌ها و امکان‌های درمانی کارگران در سازمان تامین اجتماعی را در اختیار خود گرفته است. در شرایطی که با خط فقر حدود ۹ میلیون تومان در ماه اکثریت بازنشستگان تامین اجتماعی مستمری‌ای ماهیانه کمتر از ۲ میلیون تومان دریافت می‌کنند و به پرداخت هزینه بیمه تکمیلی نیز مجبور هستند، روحانی، رئیس جمهور رژیم غارتگر ولایتی روز ۲۷ فروردین ماه با ترفند "شفاف‌سازی" امور سازمان تامین اجتماعی، از خصوصی‌سازی ۱۰ درصد از دارایی‌های کارگران در شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (شستا) خبر داد. روحانی گفت: "ما امروز بزرگ‌ترین عرضه سهام اولیه را در بورس داریم، این... یکی از نکاتی [است] که مقام معظم رهبری بر آن تأکید داشتند [!]."

همان روز، یعنی ۲۷ فروردین ماه، وزیر کار، شریعتمداری، در دیدار با رئیس و اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس و با تأکید بر "همفکری با نمایندگان مجلس... عرضه سهام شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (شستا) در بورس را اقدامی بسیار مهم و تاریخی" دانست. هم‌زمان با اظهارات وزیر کار و در ارتباط با درمان بیماران کرونایی، مدیرعامل تامین اجتماعی نیز گفت: "از ظرفیت مراکز درمانی سازمان تامین اجتماعی به‌طور کامل استفاده شد." در صورتی که روز ۲۳ فروردین ماه ما شاهد اخراج گسترده پرستاران از بیمارستان‌های خصوصی بودیم و روز ۲۸ فروردین ماه معاون درمان وزارت بهداشت در این مورد گفت: "در وزارت بهداشت حق مداخله در قوانین بیمارستان [خصوصی] را نداریم." اگر در سه دهه اخیر خصوصی‌سازی منابع ملی کشور توزیع رانت و تقسیم اموال زحمتکشان بین وابستگان رژیم، نهادهای انگلی، و بورژوازی بوروکراتیک بوده است، با تشدید تحریم‌های امپریالیستی و خودداری رژیم از گرفتن مالیات از پایگاه طبقاتی اش و خودداری از کاستن شیب افزایش بودجه نهادهای انگلی، خصوصی‌سازی لگام‌گسیخته را نیز برای تامین کسری بودجه‌اش برگزیده است. خصوصی‌سازی اموال کارگران در تامین اجتماعی نمونه‌ای از این غارتگری رژیم است. واگذاری شستا به معنای حراج دارایی زحمتکشان و پیامال کردن حقوق و دستاوردهای تاریخی آنان است. فراموش نکنیم که شستا با ۱۸۷ شرکت زیرمجموعه‌اش فقط در طول سال ۱۳۹۸ حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان به صورت نقدی برای سازمان تامین اجتماعی سود داشته است. بر پایه آخرین آمارهای رسمی، نزدیک به ۴ میلیون بازنشسته از سازمان تامین اجتماعی مستمری دریافت می‌کنند. واگذاری شستا و کاهش حداقل دستمزد کارگران و زحمتکشان اهرم درآمدزایی دولت در سال جهش تولید ولی فقیه است!

## چرا منافع پرستاران تأمین نمی‌شود



در شرایطی که در سه ماه اخیر ده‌ها پرستار با دریافت دستمزدی حدود یک‌سوم خط فقر در صف مقدم مبارزه با بیماری کرونا جان‌باخته‌اند و میلیون‌ها نفر از زحمتکشان شغل‌شان را از دست داده‌اند، روز ۲۳ فروردین ماه رئیس کل سازمان نظام پرستاری از اخراج گسترده پرستاران در بیمارستان‌های خصوصی "به بهانه کرونا" خبر داد. به گفته او، با کوشش پرستاران بیمارستان‌های خصوصی یادشده، در سال‌های اخیر و "به‌مدد تعرفه‌های سنگین و چند برابری خدمات و مراقبت‌های سلامت؛" میلیاردها تومان سود و درآمد، عاید سهامداران این بیمارستان‌ها گردیده است. مطابق گزارش ۲۵ فروردین ماه ایلنا، در حال حاضر "۵۰ هزار پرستار فارغ‌التحصیل شده جویای کار وجود دارد؛" و "تعداد زیادی از مسئولان و سیاست‌گذاران در حوزه درمان کشور، خودشان در هیئت‌امنای بیمارستان‌های خصوصی هستند." فرماندار اسلامشهر، ۲۶ فروردین ماه، ضمن تحسین عملکرد بیمارستان سازمان تامین اجتماعی در ارتباط با درمان بیماران کرونا، از عدم همکاری بیمارستان خصوصی خبر داد. لازم است به این نکته اشاره کنیم که رژیم غارتگر ولایتی به‌رغم پرداخت پرداخت نکردن "ریالی" از بدهی کلان ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تامین اجتماعی و همچنین خصوصی‌سازی کردن اموال کارگران در تامین اجتماعی، تمامی بیمارستان‌ها و امکان‌های درمانی سازمان را هم در اختیار خود گرفته است.

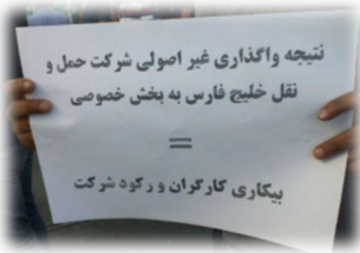
هم‌زمان با گسترش فاجعه‌بار بیماری کرونا، کارگزاران رژیم ضد ملی ولایتی در حین دادن وعده‌های دروغین تازه‌ای، به بهره‌کشی وحشیانه از پرستاران ادامه می‌دهند. میرزابیگی، رئیس سازمان نظام پرستاری، در گفتگویی با ایلنا، ۱۸ فروردین ماه، از بازنشسته شدن سالیانه "۴ الی ۵ هزار" پرستار از سال ۹۶، توقف استخدام پرستار در همین مدت، و افزودن "۴ هزار تخت بیمارستانی به تخت‌های بیمارستانی" در همین مدت خبر داد. او تعداد پرستاران فعال در بیمارستان‌های کشور را "بسیار کمتر از استانداردهای جهانی عنوان کرد؛ و به‌رغم بار سنگین مسئولیت‌های پرستاران موجود در مقایسه با استانداردهای جهانی، افزود، "برای جبران کمبود نیروی پرستار متناسب با بیماران و نیاز تعداد تخت‌ها، اضافه‌کار اجباری به پرستاران داده می‌شود." میرزابیگی از نیاز کشور به استخدام ۲۰ هزار پرستار اضافی سخن گفت که "منجر به استخدام ۷ الی ۸ هزار پرستار طی دو سال... به صورت ۸۹ روزه و شرکتی" شده است. در حال حاضر ۳۰ هزار پرستار به صورت شرکتی کار می‌کنند و قراردادهایی ۸۹ روزه بدون بیمه و دیگر مزایا دارند. رئیس سازمان نظام پرستاری از "لبریز شدن کاسه صبر پرستاران و وعده وزیر بهداشت به استخدام ۱۰ هزار نیروی پرستار سخن به میان آورد. برای جلوگیری از دست زدن پرستاران به "اقداماتی چون تجمع و اعتراض" تا "زمان وجود بحران کرونا"، این مقام رسمی از ورود وزیر بهداشت، معاون اول روحانی، و رئیس مجلس به مشکل کمبود نیرو و حقوق پرستاران و "تدوین این‌نامه جدید نظام پرداخت" خبر داد. او افزود: "در صورتی که این نظام پرداخت اجرایی شود، هم طرح قاصدک جمع‌آوری می‌شود و هم یک نظام پرداخت بسیار متناسب... جایگزین نظام پرداخت فعلی برای پرستاران می‌شود." پرستاران مبارزه طولانی مدتی علیه نظام پرداخت "عملکردی یا قاصدک" سازمان داده‌اند. در طرح قاصدک کارانه و اضافه‌کاری پرستاران به صورت ظالمانه‌ای کاهش می‌یابد. سخنان میرزابیگی نشان می‌دهد که "اجرای نظام پرداخت" جدید نیز وعده‌ای بی‌پشتوانه بیش نیست.

حدود سه هفته بعد از تدوین "این‌نامه جدید نظام

پرداخت"، مطابق گزارش ۲۱ اسفندماه ۹۸ ایلنا، خانه **ادامه در صفحه ۳**



## سلامت و معیشت زحمتکشان بخش حمل و نقل همگانی در معرض خطر قرار دارد!



یکی از خصوصیات ذاتی رژیم ضد مردمی ولایت فقیه بی‌توجهی به حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان

است. پنهان کاری در انتشار اخبار و کم‌خطر نشان دادن بیماری کووید ۱۹ از یک طرف و ارائه نکردن حمایت‌های مؤثر بهداشتی و اجتماعی از طرف دیگر موجب گردیده‌اند تا زحمتکشان برای بقای زندگی خود و خانواده‌هایشان هرگونه خطری را به جان خریده و به جای ماندن در خانه و فارغ ماندن از هرگونه نگرانی از تأمین معاش و بیمه‌های درمانی ترجیح دادند به سر کار بروند. هم‌زمان با پا به عرصه گذاشتن این ویروس کشنده در زندگی کارگران و زحمتکشان، رژیم و دولت دست‌نشانده‌اش به هشدارها و خواست‌های این زحمتکشان با بی‌مسئولیتی و بی‌کفایتی برخورد کرده است. طی هفته‌های گذشته و با آغاز فعالیت بسیاری از واحدهای صنعتی، تولیدی و خدماتی و اعلام برنامه دوری گزینی هوشمندانه (فاصله‌گذاری اجتماعی) بدون فراهم آوردن امکانات ضروری برای انجام چنین برنامه‌هایی سلامت و معیشت شمار بیشتری از مردم به‌ویژه زحمتکشان در معرض خطر جدی قرار گرفته است. در این میان رانندگان درون و برون‌شهری و به‌طورکلی شاغلان بخش حمل و نقل همگانی با وضعیتی ناگوار دست‌وپنجه نرم می‌کنند. پیش‌تر، در اواخر اسفندماه ۹۸، رانندگان زحمتکش اعلام کرده بودند: "باید امکانات ایمنی در اختیارمان قرار دهند... این مسئله، مهم‌ترین مطالبه‌ی رانندگان است." از آن زمان تا کنون مطالبات بر حق و بسیار جدی کارگران و زحمتکشان از طرف دولت نادیده گرفته شده و در نتیجه به زحمتکشان و خانواده‌های آنان خسارات جانی و مالی جبران‌ناپذیری وارد آمده است. به‌عنوان مثال در گزارشی از ایلنا، ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۹۹، رانندگان با بیان اینکه "مرگ ۴ راننده تاکسی و ۲ راننده اتوبوس بر اثر کرونا، نگرانمان کرده است، افزودند: ما نمی‌دانیم باید به خیابان بیاییم یا ناییم! اگر به خیابان بیاییم یا شغل مان را از دست می‌دهیم یا درآمدی برای اداره زندگی نداریم اما اگر بیاییم، چگونه باید با خطرات مواجه شویم؟" همچنین مدیرعامل شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران اعلام کرده است که ۴۰ راننده اتوبوس نیز به کرونا مبتلا شده‌اند. به‌گزارش‌های رسمی دیگر به تاریخ ۲۴ فروردین‌ماه، مدیرعامل سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی شهر تهران در صفحه توییتر خویش نوشت: ۳۰۲ راننده به کرونا مبتلا شدند که از این تعداد ۱۳ راننده جان باختند. علاوه‌براین، ایلنا، اول اردیبهشت‌ماه ۹۹، در گزارشی از قول مدیرعامل سازمان تاکسی‌رانی شهر تهران نوشته بود، تاکسی‌رانان ۸۰ درصد درآمد خود را از دست داده‌اند و پرداخت کمک معیشتی دولت به رانندگان تاکسی تا کنون عملی و اجرا نشده است. بنابراین می‌توان تأکید کرد که سیاست‌های ضد‌مردمی رژیم ولایت فقیه با پای کووید ۱۹ معیشت، سلامتی و جان کارگران و زحمتکشان را به‌مخاطره انداخته است.

## رشد نرخ بیکاری، و معضل بیمه بیکاری کارگران



مطابق آمارهای وزارت کار و به‌رغم بیکاری میلیون‌ها کارگر در سال‌های اخیر، در هر مقطع زمانی‌ای معین به‌طور متوسط ۲۲۰ هزار کارگر از مقرری بیمه بیکاری استفاده کرده‌اند. با شیوع بیماری کرونا در ماه‌های اخیر ده‌ها هزار کارگر از جمله شمار بزرگی از

کارگران ساختمانی شغل‌شان را از دست داده‌اند. مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی روز ۲۷ فروردین‌ماه اعلام کرد که، حدود ۲۴۰ هزار نفر "از صندوق تأمین اجتماعی مقرری بیکاری دریافت می‌کنند. گرچه کارگران ساختمانی حق بیمه پرداخت می‌کنند، اما مدیرکل بیمه بیکاری وزارت کار در همان روز ۱۷ فروردین‌ماه اعلام کرد: "مشاغلی مانند کارگران ساختمانی، قالیبافان و رانندگان... نمی‌توانند بیمه بیکاری دریافت کنند." اول اردیبهشت‌ماه، شماری از کارگران ساختمانی و فصلی اعلام کردند: "قرنطینه بدون معیشت یعنی گرسنگی." با گسترش فاجعه‌بار بیماری کرونا و بیکار شدن میلیون‌ها کارگر تولیدی و خدماتی، کارگران شاغل در صنوف مختلف، رانندگان، و جز آنان، همراه با توصیه‌های کارگزاران رژیم به "ماندن در خانه"، نمایندگان مجلس و مسئولان دولت هفته آخر اسفندماه ارائه "بسته‌های حمایتی"، "یارانه کرونا"، "خرید اعتباری با کارمزد ۴ درصد"، و حتا ارائه بیمه بیکاری به کارگرانی که به‌علت شیوع بیماری کرونا شغل خود را از دست دادند را وعده دادند. روحانی اواسط فروردین‌ماه امسال بود که از دادن وام یک‌میلیون تومانی به ۲۳ میلیون خانوار "خبر داد و اعلام کرد: "در طول ۲۴ ماه این میزان از یارانه‌شان کم می‌شود." قسط ماهیانه وام یک‌میلیونی یارانه‌گیران ۴۷ هزار تومان و یارانه دریافتی آنان فقط ۴۵ هزار تومان در ماه است. دوروز بعد، معاون روحانی، محمدباقر نوبخت، از پذیرفته شدن "یارانه نقدی این افراد به‌عنوان ضمانت توسط بانک‌ها"، و نرخ سود ۱۲ درصدی این به‌اصطلاح "بسته حمایتی" خبر داد. روز ۲۱ فروردین‌ماه، در رابطه با "بسته حمایتی" یک‌میلیون تومانی، یک کارشناس اقتصادی به خبرگزاری ایلنا گفت: "حمایتی در کار نیست... دولت می‌خواهد با یک تیر... چند نشان را بزند... هم رکود را بشکند و رونق ایجاد کند و هم منبعی برای درآمد شده و دولت بعد مدتی پولش را با سود ۱۲ درصد پس بگیرد... هدف رژیم غارتگر ولایتی دریافت سود ۱۲ درصدی از انسان‌های بیکار و گرسنه با ضمانت یارانه ۴۵ هزار تومانی آنان بود. روحانی در روز ۲۶ فروردین‌ماه از لغو سود ۱۲ درصدی وام یک‌میلیون تومانی وعده داده شده خبر داد و آن را به وامی قرض‌الحسنه‌ای تبدیل کرد. اما چون تلاش رژیم به کسب سود از "بسته حمایتی" و تأمین کسری بودجه دولت نتیجه نداد، روز بعد یعنی در ۲۷ فروردین‌ماه، عبدالناصر همتی، رئیس بانک مرکزی، تورم لگام‌گسیخته از بابت تزریق پول و افزایش نقدینگی را به زحمتکشان "وعده" داد.

نمونه‌ای دیگر اینکه، مطابق گزارش ۲۶ فروردین‌ماه ایلنا، حدود ۲۰ هزار استاد حق‌التدریسی با مدرک دکترا و کارشناسی ارشد، به‌صورت پاره‌وقت در دانشگاه‌های کشور مشغول به کار هستند و با تعطیلی دانشگاه‌ها درآمد خود را از دست داده‌اند. این افراد متخصص ساعتی "۸ تا ۱۴ هزار تومان" دستمزد دریافت می‌کنند و "دریافتی اساتید حق‌التدریسی با ۱۵ واحد تدریس موظفی پس از کسر مالیات و برداشت حق بیمه (در صورت بیمه بودن) به‌طور متوسط گاه کمتر از ۱ و گاه حدود ۲ میلیون تومان است." از نداشتن "قرارداد کار تا پرداخت نشدن ماه‌ها حق بیمه" بخش‌هایی از مشکلات این افراد است. دستمزد آنان "گاه با شش ماه تا ۲ سال" تأخیر پرداخت می‌شود. مجموعه زحمتکشان فکری ویدی کشور با معضل بیکاری روبرو هستند. در این میان کارگران ساختمانی نه‌فقط مقرری بیمه بیکاری دریافت نکرده‌اند، بلکه آن‌طور که نایب‌رئیس انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی خبر داد، به کارگران ساختمانی "بسته حمایتی، وام یا تسهیلات" ارائه نمی‌شود! ایسنا، ۳۱ فروردین‌ماه، اخیراً روحانی از برداشت یک میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای مقابله با کرونا، کمک به میلیون‌ها کارگر بیکار شده، و ارائه تسهیلات به هزاران واحد "کوچک و متوسط تولید کالا و خدمات، با اشتغال زیر ۵۰ نفر" خبر داده بود، اما پرواضح است که تا کنون معضل مقرری بیمه بیکاری حل نشده باقی مانده است. افزایش نرخ بیکاری نتیجه مستقیم اجرای سیاست‌های ضد‌مردمی اقتصادی اجتماعی رژیم ولایت فقیه است.



عبارت است از: بهداشت و درمان همگانی و رایگان، کار با دستمزد مناسب، حق اشتغال دائم، حمایت‌های کافی برای همه بیکاران و آثانی که قادر به کار نیستند، همه آثانی که از ویروس کرونا و یا بیماری‌های دیگر آسیب دیده‌اند، لغو کلیه اخراج‌ها و همه اقداماتی که به‌بهباه شیوع این ویروس انجام گرفته است، می‌باشند!

در عین حال تضاد کشورهای سرمایه‌داری و قدرت‌های امپریالیستی که منابع طبیعی و ثروت مردم را غارت می‌کنند و با ایجاد جنگ و درگیری‌های خونین منطقه‌ای و در اقدام‌های جنایتکارانه برای حفاظت از منافع اقتصادی خود و علیه منافع کارگران اقدام می‌کنند، شرایط را سخت تر می‌نماید. تحریم اقتصادی آمریکا علیه مردم کوبا، ونزوئلا و ایران، همچنین دخالت‌های امپریالیستی و جنگ در سوریه، فلسطین، یمن و تولید و فروش سلاح همچنان ادامه دارد.

احتکار مواد بهداشتی و ضروری برای مبارزه با کرونا، رقابت برای یافتن واکسن آن، منافع زیادی را برای شرکت‌ها و کشورهایی که آن را کشف خواهند کرد، به‌بار خواهد آورد. علیه احتکار و تضادهای سرمایه‌داری، کارگران و مردم همبستگی ما و زحمتکشان جهان را در کنار خود خواهند داشت، به‌عنوان نمونه کوبا پزشکان متخصص خود را در همبستگی جهانی به چهارده کشور آسیب دیده اعزام نموده است، کارگران ایتالیا در حمایت از کادر درمانی کوبا یک همایش سازمان دادند و کارگران دیگر کشورها در این مورد سکوت نکرده و علیه این بحران با شعارهای رزمجویانه اعلام همبستگی کردند.

کارگران مهاجر شیکاگو، که در ماه مه ۱۸۸۶ جان خود را برای به‌دست آوردن ۸ ساعت کار در روز فدا کردند، راه را برای طبقه کارگر جهان برای ادامه مبارزه برای حقوق خود هموار نمودند. جنبش بین‌المللی و طبقاتی کارگران با تشکیل در صفوف فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری به این مبارزات افتخار می‌کند و آن را در هر شرایطی ادامه می‌دهد. مبارزه برای تأمین نیازهای امروزین طبقه کارگر و لغو استثمار، برای رهایی طبقه کارگر و آزادی وی از وحشیگری سرمایه‌داری.

#### وظایف عاجل ما

برادران و خواهران کارگر، شاغلین و بیکاران، بازنشستگان، مهاجرین و پناهندگان، دانشمندان جوان، مردم بومی کشورها، زنان و مردان، در مواجهه با مشکلات پیچیده‌ای که روبرو هستیم، باید ما یک‌بار دیگر در صف نخست مبارزه و با اتحاد عمل برای نابودی استثمار با خواست‌های فوری زیر، بیکار کنیم:

۱- دولت‌ها و کشورها باید منابع لازم را جهت حمایت از بخش همگانی درمان و بهداشت تأمین کنند، تا مردم بطور رایگان و تمام و کمال به درمان مناسب دسترسی داشته باشند.

۲- ممنوع کردن خصوصی سازی بخش‌های استراتژیکی درمان و بهداشت

۳- سازمان‌های بین‌المللی دست از حمایت‌های گفتاری برداشته و وظایف اساسی خود را انجام دهند.

۴- واکسناسیون رایگان و ایمن برای همه

۵- منع اخراج‌ها

۶- به تمامی حقوق، بیمه و دستمزد کارکنان احترام گذاشته شود

۷- از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و قانونی سندیکاهای دفاع گردد

۸- دفاع از حق اعتصاب کارگران

۹- تقویت همبستگی بین‌المللی بین مردم و کارگران

۱۰- جلوگیری از گرانی و احتکار کالاها

۱۱- مبارزه و مقابله با رشد پدیده نئوفاشیسم و نژادپرستی

#### همکاران عزیز،

به احترام ۷۵ سال مبارزه فدراسیون، بیاید صفوف مبارزات طبقاتی خود را تقویت نموده و شعار «هیچ کس نباید تنها بماند» را عملی سازیم. ما همه کارگران با هم می‌توانیم برای حصول به نیازهای نوین خود مبارزه کنیم. فدراسیون در این ۷۵ سال در صف اول مبارزه بوده و خواهد بود. این وظیفه ماست که مبارزه را ادامه دهیم و ادامه خواهیم داد.

## بیانیه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری اوضاع کنونی جهان و وظایف جنبش سندیکایی

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری (دییلو-اف-تی-یو)، به‌مناسبت اول ماه مه ۲۰۲۰، به تمام کارگران در همه قاره‌ها درود می‌فرستد؛ به آثانی که با کارشان چرخ زندگی را به حرکت درمی‌آورند، حتی در این شرایط سخت شیوع ویروس کرونا به تولید محصولات ضروری زندگی که نیاز کارگران



و توده‌های مردم است، ادامه می‌دهند.

ما درود و احترام خود به همه کارکنان در مراکز بهداشتی و درمانی سراسر جهان را تقدیم می‌داریم: پزشکان، پرستاران، همه کارکنان درمانی که هر روزه برای حفظ جان بیماران در این اوضاع گسترش ویروس کرونا و علی‌رغم کمبود وسایل محافظتی و بهداشتی با به خطر انداختن جان خود مبارزه می‌کنند، مایه افتخار هستند. آنان در صف اول مبارزه، با شهامت و از خودگذشتگی بار سنگین مداوای بیماران را در اوج شیوع این ویروس که تا به حال باعث میلیون‌ها مبتلا و مرگ چندصد هزار گردیده است، حضور دارند. در یک سیستم بهداشت و درمان عمومی که بودجه‌های آنان توسط دولت‌های سرمایه‌داری کاهش و نیز به‌دلیل سیاست‌های تجاری‌سازی درمان از کارایی افتاده‌است، سیستمی که به عمد بخش عمومی را تخریب تا خصوصی سازی و درآمدزایی داشته باشند، کار می‌کنند.

کارگران و توده زحمتکش، ما با کارکنان بخش بهداشت و درمان هم صدا شده، با آنان همبستگی اعلام می‌کنیم و خواستار پوشش بلافاصله واکسناسیون و تجهیز بخش درمان عمومی با مواد و وسایل ضروری مورد نیاز هم فوری و هم دائمی هستیم. خواستار لغو تقاضا برای خرید خدمات درمانی توسط بخش خصوصی و حذف خصوصی سازی و تجاری کردن خدمات درمانی و تأمین اجتماعی هستیم. بهداشت و درمان همگانی رایگان با کیفیت برای همه. سلامتی کارگران به کسب سود ارجحیت دارد!

درود ما به کارگران بخش تولید و توزیع غذا و نیازهای اولیه، در فروشگاه‌ها، بخش داروسازی و داروخانه‌ها، خدمات نظافتی، بخش تولید برق و انرژی که با کار خود به مردم و کارگران امکان دسترسی به مایحتاج اساسی برای بقا را تضمین می‌دهند. همچنین، به‌دلیل پیامدهای شیوع ویروس کرونا، ما یورش وسیع به حقوق کارگران، اخراج‌ها، عدم پرداخت دستمزد و محدود کردن آزادی‌های سندیکایی را محکوم می‌کنیم.

بیکاران طولانی مدت، کارگران بدون بیمه، مهاجرین، پناهنده‌ها، کسانی که دچار بیماری هستند، در عمل به حال خود رها شده‌باشند، بدون اینکه توانایی کسب درآمدی برای تأمین زندگی‌شان باشند و یا از امکانات ضرور برای حفظ سلامت خود بهره‌مند گردند، و این عملاً اوضاع را بدتر می‌کند.

شکایت‌ها و اعتراض‌های زیادی از سراسر جهان از سوی کارکنان شرکت‌هایی که مواد ضروری را تولید نمی‌کنند اما وادار به کار شده‌اند، انتشار یافته مبنی بر اینکه آنان در خط تولید و یا دفاتر کاری، بدون اینکه کارفرما وسایل حفاظتی ضروری را برای آنان مهیا نمایند، تحت فشار کاری بوده و کارفرماها تمام تلاش‌شان فقط افزایش سود است؛ در نتیجه ویروس سریعتر گسترش می‌یابد همانطور که در شمال ایتالیا، آمریکا، ترکیه و جاهای دیگر اتفاق افتاد. در برخورد با مشکلات، ما قدرتمندان حضور خواهیم داشت، ما خواسته‌های مبارزه جویانه را مطرح خواهیم کرد، خواست کارگران

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

27 April 2020

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727



ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۳۲  
Nameh Mardom - Workers Supplement No.32